

مداخله جبرانی به موقع و ادغام‌سازی کودکان عقب‌مانده

ذهنی آموزش پذیری

مختار ملک‌پور

گروه روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

چکیده :

مداخله جبرانی به موقع و ادغام‌سازی کودکان عقب‌مانده ذهنی با کودکان عادی در سنین قبل از دبستان می‌تواند در بسیاری موارد سودمند باشد. بعضی از این موارد عبارتند از امکان رشد رفتارهایی که می‌توانند در محدوده طبیعی رشد قرار گیرند را فراهم می‌سازد، از کاربرد "برچسب" به صورت منفی معاف می‌کند، از ورود احتمالی بسیاری از کودکان عقب‌مانده ذهنی به موسسات نگهداری جلوگیری کرده و بالاخره در کم کردن هزینه‌های مربوط به نگهداری از این گونه کودکان در موسسات و خانه اثر مثبت دارد.

اهمیت برنامه مداخله جبرانی و ادغام‌سازی دارای سه دیدگاه اساسی است که عبارتند از :

(۱) دیدگاه اجتماعی

(۲) دیدگاه رشدی - تربیتی

(۳) دیدگاه اقتصادی .

در رابطه با دیدگاه اقتصادی ، مخارج و هزینه‌های مربوط به کودکان عقب مانده ذهنی در دو مرکز سازمان بهزیستی شهر اصفهان محاسبه شد که نتایج آن در این مقاله آمده است .

در این مقاله نمونه‌ای از برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی در شهر اصفهان ارائه شده است .  
مقدمه :

این عقیده میان متخصصین تعلیم و تربیت رایج است که آموزش هنگامی می‌تواند حداکثر کارآیی خود را داشته باشد که کودک خردسال باشد\* ( گراننیک ، ۱۹۷۸)<sup>۱</sup> . این امر ثابت شده است که دوران اولیه کودکی فرصتی است که در آن خصوصیات رفتاری و جریانات رشد تغییرات سریعی را طی می‌کنند .

امروزه در پارهای از کشورها سعی بر آن است که به تدریج کودکان عقب مانده ذهنی را با سایر کودکان ادغام کنند . که این خود بر اساس مداخله جبرانی به موقع می‌باشد . منظور از مداخله جبرانی به موقع " عبارت است از :

ارائه خدمات به کودکان استثنائی پیش دبستانی و خانواده آنها به منظور ایجاد رشد مهارت‌ها در این کودکان . باید توجه داشت که صرف داشتن یک معلولیت ، مناسب به نظر نمی‌آید که فرد از سایر افراد طبیعی جدا شود زیرا جداسازی موجب می‌شود که نه تنها مشکل معلولیت فرد عمیق‌تر گردد بلکه به دلیل دور شدن او از سایر افراد رشد آن رفتارهایی که می‌توانند بطور طبیعی رشد کنند در معرض خطر قرار می‌گیرد . بنابراین برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی نه تنها موجب رشد رفتارهای طبیعی شده بلکه تا آنجا که امکان داشته باشد روی نقاط ضعف فرد نیز کار می‌کند .

دلایل ادغام سازی

دلایل ادغام سازی بر اساس سه دیدگاه می‌باشد که عبارتند از :

(۱) اجتماعی - اخلاقی

(۲) رشدی - تربیتی

(۳) اقتصادی

\* منظور از کودک خردسال ، کودک قبل از سن دبستان است .

## دیدگاه اجتماعی - اخلاقی

هنگامی که صحبت از بحث اجتماعی - اخلاقی است باید دو موضوع را در نظر داشت. اول این که ادغام سازی کودک عقب مانده ذهنی یا کودکان عادی موجب از میان رفتن طرز فکر منفی در افراد عادی نسبت به کودکان عقب مانده ذهنی می‌گردد. دوم این که از اثرات زیان‌آور ناشی از جدائی کودک عقب‌مانده ذهنی از کودکان عادی جلوگیری می‌شود.

نگرش و طرز فکر نسبت به کودک عقب مانده ذهنی: نحوه رفتار جامعه نسبت به فرد بستگی به طرز فکر جامعه نسبت به آن فرد دارد. مسئله بخصوص در رابطه با کودک عقب مانده ذهنی اهمیت ویژه‌ای دارد. با یک مثال این مطلب روشن می‌شود. اگر عقب‌ماندگی ذهنی به صورت یک حالت قابل قبول در جامعه تعریف و شناسائی شود، هرگز جامعه این اجازه را نمی‌دهد که کودکان عقب‌مانده ذهنی از سایر افراد جامعه جدا شوند.

جدائی کودک عقب‌مانده ذهنی: یکی از بحث‌های اجتماعی - اخلاقی مربوط به اثرات جدائی کودک عقب مانده ذهنی از سایر کودکان، رشد او می‌باشد. از نظر تاریخی رسم بر این بوده‌است که برنامه‌های خاص و جداگانه‌ای برای این کودکان وجود داشته باشد. اگر چه نمی‌توان منکر بعضی جنبه‌های مثبت چنین برنامه‌هایی شد ولی متأسفانه بسیاری از جنبه‌های این برنامه‌ها کودک را از سایر افراد جامعه دور نگه می‌دارد. جدائی از زندگی طبیعی بزرگترین عامل مخرب به رشد کودک می‌باشد. این آسیب می‌تواند در رابطه با هوش، شخصیت، رفتارهای اجتماعی، رشد بدنی و فیزیکی و مهارت‌های کلامی باشد.

جدا کردن کودک عقب مانده ذهنی موضوع دیگری را که اصطلاحاً "برچسب" می‌باشد مطرح می‌سازد. برچسب، محیط اطراف کودک را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. بدین معنی که برچسب اثرات نامطلوبی را موجب می‌شود. برای مثال، چون کودک عقب مانده است "دیگر نمی‌توان برای او کاری انجام داد"، "بایست او را به حال خود گذاشت"، "نباید از او هیچگونه انتظاری داشت" و..... یکی دیگر از جنبه‌های منفی جداسازی کودک عقب‌مانده ذهنی در این است که اگر چه کودک ممکن است در یک یا چند جنبه عقب‌ماندگی داشته باشد لکن جدائی او باعث فراموشی آن جنبه‌هایی می‌گردد که محدودده رشد طبیعی قرار می‌گیرند.

## دیدگاه رشدی - تربیتی

این موضوع امر دیگری است که از برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی حمایت کرده بر لزوم آن صحه می گذارد. به منظور روشن تر شدن مطلب بهتر است از " تئوری های رشد و یادگیری از راه تقلید " یاد کرد.

تئوری پیازه

بسیاری از محققین تئوری های رشد پیازه که در آنها مهارت های کلامی و ذهنی پیچیده بر اساس پاسخ های ساده حسی - حرکتی می باشند را پذیرفته اند ( آپولونی و کوک، ۱۹۷۷)<sup>۲</sup>. طبق این تئوری، کودک دارای یک سری رفتارهای بازتابی می باشد. به تدریج که این رفتارها با محیط ارتباط متقابل برقرار می کنند از حالت غیر ارادی به حالت ارادی در می آیند. همچنانکه کودک سعی در مکیدن اشیاء، گذاشتن آنها در دهانش، چنگ زدن به آنها، دنبال کردن و لمس آنها دارد، تعداد این فعالیت ها و کنترل روی آنها را به تدریج زیاد می کند. این فعالیت های ساده از طریق داشتن ارتباط با محیط پیشرفت و بهبودی می یابند و منجر به رفتارهای پیچیده بعدی می گردند. این اثر متقابل میان الگوهای رفتاری موجود در خزانه رفتاری کودک، در نتیجه فعالیت او تسریع می شود و از طرفی با افزایش تدریجی انتظارات محیطی، رشد رفتاری کودک افزایش می یابد. به منظور رشد خزانه رفتاری کودک، محیط باید امکان بروز رفتار از جانب کودک را فراهم سازد. برای مثال، رفتار ابتدائی " چنگ زنی " که از جانب کودک نشان داده می شود زمخت و بی لطف است بوده و تماس با اشیاء از طریق چنگ زنی تقریباً تصادفی انجام می شود. یعنی ممکن است کودک موفق به گرفتن شیئی بشود یا نشود. اما همچنانکه کودک رفتار چنگ زنی را تمرین می کند حرکات دست و بازو، هماهنگی بیشتری یافته و کودک بهتر می تواند با شیئی تماس حاصل کند. از طریق همین اثر متقابل میان کودک و محیط، رفتار چنگ زنی وسیله ای می گردد برای آزمایش اشیاء ( محیط). در نتیجه برای یک کودک خردسال که بخواهد الگوهای حسی - حرکتی خود را رشد دهد باید از یک طرف چنین فرصتی وجود داشته باشد تا به کاوش محیط پیرامون خود

1- Piaget

2- Apolloni and Cook

پرداخته و از طرفی، انتظارات بیشتر و پیچیده‌تری از جانب محیط متوجه او گردد. همچنانکه ارتباط با محیط برای یک کودک عادی لازم و ضروری می‌باشد، چنین ارتباطی به همان میزان، و یا حتی بیشتر برای کودک عقب‌مانده نیز لازم است. در این رابطه باید توجه داشت که کودک عقب‌مانده ذهنی ممکن است نتواند مانند یک کودک عادی با محیط خود در ارتباط زیاد باشد. برای مثال، یک ناتوانی حرکتی می‌تواند مانع رشد بعضی از الگوهای رفتاری شود و یا یک نقص حسی (ناپناشی و...) می‌تواند باعث کاهش تحریکات محیطی شود. موضوع دیگر اینکه بسیاری از کودکان عقب‌مانده تا اندازه‌ای تنبل و تحریک‌پذیری کمتری دارند. بنابراین بدون تشویق و وجود انگیزه‌های محیطی، این کودکان تمایل چندانی به کاوش محیط ندارند. بالاخره، بسیاری از کودکان عقب‌مانده ذهنی در محیط‌های منزوی که با کمبود انگیزه‌ها همراه است بسر می‌برند. برای مثال، بعضی از والدین مایل نیستند کودک عقب‌مانده خود را به خارج از منزل برده و یا کودکان دیگر را ترغیب به تماس با او نمایند. این محیط‌ها تماس کودک عقب‌مانده ذهنی با سایر کودکان را محدود می‌سازد. متأسفانه چنین شرایطی رشد بطنی کودک عقب‌مانده ذهنی را کندتر می‌سازد.

یادگیری از راه تقلید

تحقیقات راجع به یادگیری از راه تقلید توسط کودک، دلیل دیگری است برای ادغام کودکان عادی و عقب‌مانده در سنین قبل از دبستان. مشاهده یک مدل که رفتاری را انجام می‌دهد می‌تواند باعث تغییرات رفتاری در فرد مشاهده‌کننده گردد بخصوص اگر رفتار مدل مورد تقویت قرار گیرد (برایکروبرایکر، ۱۹۷۷)<sup>۱</sup>. با توجه به اهمیت یادگیری از راه تقلید، ادغام‌سازی کودکان عقب‌مانده ذهنی با کودکان عادی این شرایط را فراهم می‌سازد که کودک به عنوان یک مدل مناسب برای کودک عقب‌مانده عمل کند. اهمیت این امر را می‌توان به سه دلیل مورد تأکید قرار داد:

(۱) کودک عقب‌مانده ذهنی می‌تواند از طریق مدل قرار دادن و تقلید، پاسخ‌های جدید بیاموزد مشروط بر اینکه فرصت مشاهده و تقلید برای او موجود باشد.

(۲) شرکت فعال کودک عقب‌مانده، یادگیری او را از راه تقلید زیاد می‌کند.  
 (۳) کودک معمولاً "تعمیل به انتخاب مدل برای تقلید دارد. یعنی کودک رفتار فردی را تقلید می‌کند که آن فرد خود بتواند رفتاری را که تاثیرگذاری بیشتر داشته و به نتیجه مطلوب (کسب تقویت) نائل شود انجام دهد. گرچه کودک عقب‌مانده کند است لکن از این قاعده مستثنی نیست.

چنین مطالبی دلالت براین دارد که کودک عقب‌مانده ذهنی باید در معرض مدل‌هایی قرار گیرد که توانایی ابراز رفتارهای مناسب را از خود دارند. به علاوه نتایج چنین یافته‌هایی می‌تواند شک و تردیدهای آن دسته از افرادی را که معتقدند کودک عادی در اثر تماس با کودک عقب‌مانده ذهنی رفتارهای "ساده" او را می‌آموزد برطرف سازد. زیرا یکی از خصوصیات برنامه ادغام‌سازی استفاده از سیستم‌های تقویت است که در آن رفتارهای مطلوب تقویت شده و رفتارهای نامطلوب احتمالی با روش کاهش رفتار منع می‌شود. بنابراین امکان تقلید رفتار ساده و بد احتمالی به حداقل می‌رسد.

#### دیدگاه اقتصادی

تحقیقات نشان می‌دهد که ادغام‌سازی نه تنها یک محیط طبیعی‌تری برای کودکان عقب‌مانده ذهنی فراهم می‌سازد، بلکه مخارج به مراتب کمتری را در مقایسه با نگهداری احتمالی بعدی کودک در موسسه در برخواهد داشت. در یک گزارش توسط وایلدروکولی (۱۹۷۹) مخارج مربوط به مراقبت و ارائه خدمات تخصصی در موسسات با همین مخارج، هنگامی که کودکان عقب‌مانده در خارج از موسسه می‌باشند، مقایسه گردید. نتیجه این گزارش نشان داد که مخارج نگهداری در موسسات به مراتب رقم بیشتری را بخود اختصاص می‌دهد. مقایسه این مخارج در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول شماره ۱  
جدول مربوط به مخارج طبق گزارش وایلدروکولی در آمریکا

محل	مخارج در سال برای هر فرد
موسسه	۱۴۶۳۰ دلار
مخارج از موسسه	۱۱۰۰۰ - ۹۲۵۵ دلار

در رابطه با مسائل اقتصادی، در یک تحقیقی که در دو مرکز کودکان استثنائی شهید بهشتی و شهید اشرفی اصفهانی شهر اصفهان در شهریور ماه ۱۳۶۹ انجام گرفت مخارج مربوط به هر یک از این مراکز در سال ۶۸ تعیین گردیده که نتایج آن در جداول شماره ۲ و ۴ آمده است.

## جدول شماره ۲

مخارج مربوط به مرکز توانبخشی افراد معلول ذهنی اشرفی اصفهانی  
( اصفهان )

عنوان	هزینه به ریال
هزینه یک مددجوی روزانه در سال ۱۳۶۸	۴۶۷۸۹۳
هزینه یک مددجوی روزانه در یک ماه	۳۸۹۹۱
هزینه یک مددجوی شبانه‌روزی در سال ۱۳۶۸	۹۳۵۷۸۶
هزینه یک مددجوی شبانه‌روزی در یک ماه	۷۷۹۸۲
کل مخارج در سال ۱۳۶۸	۸۸۴۳۱۷۷۷

Operator Conditioning  
برای اطلاعات بیشتر در زمینه شرطی کردن مایل و تقویت‌کننده‌ها به کتاب‌های روش تغییر و اصلاح رفتار مراجعه شود.

## جدول شماره ۳

تعداد مددجویان مرکز توانبخشی افراد معلول ذهنی شهید اشرفی اصفهانی

عنوان	تعداد
روزانه	۱۳۵
شبانه‌روزی	۲۷
جمع	۱۶۲

## جدول شماره ۴

مخارج مربوط به مرکز نگهداری و توانبخشی افراد معلول ذهنی شهید بهشتی  
( اصفهان )

عنوان	هزینه به ریال
هزینه یک مددجوی شبانه‌روزی در سال ۱۳۶۸	۶۷۴۱۵۷
هزینه یک مددجوی شبانه‌روزی در یک ماه	۶۷۱۷۹
هزینه یک مددجوی شبانه‌روزی در روز	۱۸۷۲

۱۲۰۰۰۰۰۰۰

کل مخارج در سال ۱۳۶۸

## جدول شماره ۵

تعداد مددجویان مرکز شهید بهشتی

عنوان	تعداد
شبانه‌روزی	۱۷۸

با توجه به مخارج سنگین آموزش و نگهداری کودکان عقب‌مانده ذهنی



در موسسات و مراکز روزانه و شبانه‌روزی، برنامه مداخله جبرانی و ادغام‌سازی می‌تواند نیاز به موسسات و مراکز نگهداری را کاهش داده موجب صرفه‌جویی در مخارج شود.

خصوصیات برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام‌سازی

در این قسمت بطور مختصر به شرح خصوصیات این برنامه اشاره می‌شود. این خصوصیات عبارتند از روش اجرای برنامه، نقش مربی و محیط و دست‌بندی کودکان. روش: در رابطه با روش اجرای برنامه مداخله جبرانی و ادغام‌سازی، رفتارگرایان گام‌های مثبتی را برداشته‌اند. روش رفتارگرایان براساس شرطی کردن عامل یا وسیله‌ای<sup>۱</sup> و نیز آموزش از طریق تقلید کردن می‌باشد. طبق تئوری رفتارگرایان، کودکان به خاطر شرایط تقویت‌کننده که محیط اجتماعی برای آنان به وجود می‌آورد در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند. بنابراین با شناخت و کنترل این تقویت‌کننده‌ها می‌توان اثرات متقابلی را که کودکان روی یکدیگر دارند تغییر داده یا اصلاح و کنترل نمود\*.

چنانچه ارائه تقویت‌کننده‌ها را مشروط به ظاهر شدن رفتار کرد می‌توان احتمال بروز رفتار را زیاد کرد. از این قاعده در برنامه ادغام‌سازی کودکان عقب‌مانده ذهنی برای ایجاد و حفظ رفتار بطور موشری استفاده می‌شود. برای مثال، کودک عقب‌مانده ذهنی، که دارای مشکل تکلمی است و احتمالاً این مشکل تا اندازه‌ای ناشی از انزواطلبی و گوشه‌گیری او به دلیل عدم بهره‌مند بودن از مهارت‌های اجتماعی می‌باشد، حاضر به بازی کردن با وسایل بازی نیست را می‌توان از طریق تقویت تشویق به بازی کرد. این امر به‌نوبه خود موجب تشویق کردن به برقراری ارتباط با سایر کودکان می‌گردد.

مطالعات نشان می‌دهند که میان بازی کودک و تکلم او رابطه مستقیمی وجود دارد. بدین معنی که اگر بتوان رفتار بازی کردن با سایر کودکان را در او بوجود آورد آرد این رفتار بنوبه خود باعث گسترش توانایی کلامی و در نهایت افزایش فعالیت‌های ذهنی در او خواهد شد (شفر، ۱۹۸۱).

آموزش تقلید کردن از دیگران روش دیگری است که از آن در برنامه مداخله

## 1- Operant Conditioning

برای اطلاعات بیشتر در زمینه شرطی کردن عامل و تقویت‌کننده‌ها به کتاب‌های روش تغییر و اصلاح رفتار مراجعه شود.

جبرانی به موقع و ادغام سازی استفاده می‌شود. به منظور آنکه کودک عقب مانده ذهنی بتواند از حضور کودک عادی بهره‌مند شود باید نحوه تقلید کردن را به او آموزش داد. این آموزش را اصطلاحاً "آموزش تقلید کردن از کودکان همسال<sup>۱</sup>" می‌نامند. این روش شامل بکارگیری محرک کلامی و فیزیکی برای کودک عقب مانده ذهنی است تا رفتار کودک عادی را تقلید کند.

لازم به توضیح است که در برنامه مداخله به موقع و ادغام سازی سن عقلی<sup>۲</sup> و رفتار سازی<sup>۳</sup>\* ملاک عمل قرار می‌گیرد و نه سن تقویمی. دلیل این امر آن است که کودک عقب مانده ذهنی قادر باشد رفتار کودک عادی را که از نظر توانایی‌های عقلی برابر و یا اندکی بیشتر از اوست را تقلید کند. برای مثال، ممکن است لازم باشد کودک عقب مانده ذهنی سه ساله که سن عقلی او دو سال باشد را با کودکان عادی دو ساله ادغام کرد.

نقش مربی و محیط: همانگونه که ذکر شد هدف اصلی برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی سهولت بخشیدن به ایجاد و رشد رفتار مثبت در کودکان عقب مانده ذهنی است. در این رابطه مربی نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند. قبل از هر چیز، مربی باید نسبت به تعامل اجتماعی که بطور طبیعی میان کودکان روی می‌دهد حساس باشد. مربی باید با استفاده از سیستم تقویت از این تعامل به نفع کودک عقب مانده ذهنی استفاده نماید.

مربی باید اشیائی را که برای استفاده کودکان بکار می‌رود بررسی و شناسایی نماید زیرا آنها طبیعت و مدت زمان تعامل اجتماعی کودکان را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. برای مثال، خمیربازی، مکعب‌ها، وسائلی که بتوان به کمک آنها بالا و پائین رفت، تعاملات کودکان را بیشتر می‌کنند. ضمناً "مربی باید از وسایلی استفاده نماید که کودک قادر به استفاده از آنها باشد. این وسائل باید به اندازه کافی موجود باشند تا علاوه بر اینکه در اختیار کودک عادی قرار می‌گیرند در اختیار کودک عقب مانده نیز قرار داشته باشند تا بدین ترتیب عمل

1- Peer Imitation Training

2- Mental Age

3- Adaptive Behavior

\* منظور از رفتار سازشی، توانائی فرد در برآورده ساختن انتظارات محیطی با توجه به سن او می‌باشد.

تقلید به سهولت انجام پذیرد. باید توجه داشت که به منظور افزایش هر چه بیشتر تعامل میان کودک عقب مانده و کودکان عادی، مربی باید کودکان را تحریک و تشویق به بازی کرده و فعالیتهای مربوط به بازی را ترتیب دهد و سپس ناظر بر محیط بازی باشد.

همچنین مربی باید به تازگی و تنوع عوامل محیطی توجه داشته باشد. تازگی و تنوع عوامل موجود در محیط می تواند نقش مهمی در برقراری ارتباط اجتماعی میان کودک عقب مانده ذهنی و کودکان عادی داشته باشد. تنوع و تازگی عوامل محیطی این احتمال را افزایش می دهد که کودک عقب مانده ذهنی رویدادهای مختلف را تجربه کند که این امر بنوبه خود فعالیتهای ذهنی او را گسترش خواهند داد.

موضوع دیگر در برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی، دستبندی کودکان است. مربی باید کودکان را درون گروههای کوچک سه یا چهار نفره قرار دهد. دستبندی باید برحسب " رشد " کودکان صورت گیرد. به منظور آنکه کودکان عادی به عنوان مربی و الگوی کودک عقب مانده عمل نمایند باید تنها کمی از نظر رشد از کودک عقب مانده پیشرفته باشند. بدین ترتیب کودکان عادی در حالیکه مهارتهای رفتاری خود را به کودک عقب مانده ذهنی منتقل می سازند خود نیز از آنچه که انجام می دهند بهره مند می گردند.

آخرین موضوع در برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی، اندازه محیط و فضای محل برنامه است. فضای بازی نباید محدود باشد، محل بازی باید به اندازه کافی بزرگ باشد که کودک بتواند به راحتی در آن تحرک داشته باشد. همچنین درجه حرارت محیط نیز باید متعادل باشد.

ارائه یک نمونه از برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی در اصفهان

با توجه به تجارب کلینیکی کمروی تعداد زیادی کودک عقب مانده ذهنی بزرگسال در استان اصفهان بدست آمد. این نتیجه حاصل شد که مشکل بسیاری از این کودکان، فقر انگیزه های محیطی و جدائی آنها از محیط طبیعی ( کودکان عادی ) در جریان رشد بوده است، لذا تصمیم گرفته شد برای آن دسته از کودکان عقب مانده ذهنی خردسال که به موقع ارجاع داده می شوند نوعی برنامه مداخله جبرانی به موقع که با شرایط و امکانات موجود در ایران مناسبت دارد ارائه شود. با توجه به امکانات و شرایط موجود " مهد کودک " بهترین مکان به حساب

آسد که از آن به عنوان محلی که کودک عقب مانده ذهنی می تواند از راه تقلید رفتارهای مناسب کودکان طبیعی را بیاموزد ، استفاده شود ، زیرا مهد کودک محلی است که کودکان خردسال می توانند بیشترین تعامل را با یکدیگر داشته باشند و از طرفی رفتارهای آنها برای تقلید توسط کودک عقب مانده ذهنی پیچیده نیست . در صورتی که کودک عقب مانده ذهنی خردسال نقائص حرکت و اختلال شدید رفتاری نداشت با موافقت سرپرست مهد کودک و نیز با در نظر گرفتن سن عقلی وی در مهد کودک قرار داده می شد . ضمناً " نظر به اینکه این اولین تجربه در خصوص روش مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی در ایران بود سعی شد آن دسته از کودکان عقب مانده ذهنی انتخاب شوند که بهره هوشی آنها بالا بود . یعنی با بهره هوشی ۵۰ تا ۷۰ .

گرچه تنها بعضی از مربیان مهدهای کودک در این زمینه با زمینه های وابسته آموزش دیده بودند لکن فرض بر آن بود که به صرف فراهم شدن یک محیط طبیعی ، کودک عقب مانده ذهنی قادر است از کودکان کوچکتر از خود از راه تقلید مهارت آموزی نماید . در این برنامه سعی شد فقط یک یا دو کودک عقب مانده ذهنی در یک کلاس قرار داده شوند . دلیل این امر آن بود که اولاً " تعداد بیشتری کودک عادی روی کودک عقب مانده ذهنی تاثیر گذارد و ثانیاً " این شک و تردید که کودک عادی ممکن است رفتار کودک عقب مانده ذهنی را بیاموزد ، به دلیل برتری تعداد کودکان عادی از میان ببرد .

کودک عقب مانده ذهنی چند ماه یکبار که ترجیحاً " چهارماه تعیین می شد مورد بررسی مجدد قرار می گرفت . چنانچه نتیجه ارزیابی از رفتار کودک که از طریق گزارش مربی ، مقیاس رشد اجتماعی و اینلندو تست هوش انجام می شد حاکی از پیشرفت وی بود نامبرده بتدریج به کلاس بالاتر (از نظر سن کودکان) منتقل می شد . کودک ، علاوه بر استفاده از مهد کودک توسط بعضی از دانشجویان فارغ التحصیل رشته کودکان استثنائی در رابطه با مفاهیم ذهنی بطور خصوصی آموزش می دید . \*

### 1- Intelligence quotient

\* یکی از عناصر مهم طرح مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی ، برخورداری این طرح از مربیان با تجربه در رشته کودکان استثنائی است . بنابراین ، مربیان آموزش دیده جزئی از همان متغیر مستقل اصلی یعنی برنامه مداخله جبرانی به موقع و ادغام سازی است .

نتیجه این طرح موفقیت آمیز بود بطوریکه تعدادی از این کودکان پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در رابطه با رشد رفتارهای اجتماعی و نیز کسب مهارت‌هایی در زمینه مفاهیم ذهنی مثلاً "تشخیص رنگها، اندازه، ارتباط شئی و نام آن، عددخوانی و غیره بدست آوردند. پیرو اظهار برخی از والدین مبنی بر اینکه فرزندانشان به مدرسه عادی راه یافته‌اند، شخصاً "کنترل نهائی بعمل آمد و این مسئله در خصوص ۵ نفر از آنها تأیید شد و با توجه به موردی بودن تحقیق، این رقم قابل ملاحظه‌ای می‌باشد.

لازم به توضیح است که در راه اجرای این طرح مخالفت‌ها و موانع زیادی بوده است. عدم همکاری بعضی از مهدهای کودک (بدلائل مختلف) و نیز عدم استقبال کافی سازمان بهزیستی\*، مانع از آن می‌شود که این طرح به خوبی اجرا شود. به‌عنوان یک راه حل کلی توصیه می‌شود سازمان بهزیستی کشور ابتدادر بعضی از استان‌ها که دارای متخصص در زمینه کودکان عقب‌مانده ذهنی می‌باشند اقدام به تاسیس یک مهد کودک نماید که هزینه قبول کودک در آن مهد ناچیز باشد تا اولاً والدین این قبیل کودکان که اکثراً از قشرهای پایین جامعه هستند بتوانند از این مهدها جهت کودک خود استفاده نمایند و ثانیاً پائین بودن هزینه آن خود انگیزه‌ای باشد جهت تشویق والدین کودکان عادی تا کودک خود را در آن مهد قرار دهند.

ضمناً چنانچه خود مربیان این مهدها در رابطه با خصوصیات برنامه مداخله جبرانی به‌موقع آموزش ببینند کارآئی چنین محیط‌هایی برای کودکان عقب‌مانده ذهنی به مراتب چندین برابر خواهد شد.

نتیجه و بحث

با توجه به آن جنبه‌هایی از موسسه و مراکز نگهداری کودکان عقب‌مانده ذهنی که می‌توانند رشد بطئی کودک عقب‌مانده ذهنی را کندتر سازند و نیز احتمالاً "موجب بروز رفتارهای نامناسب در کودکان گردند، لزوم اجرای برنامه‌ای شبیه برنامه مداخله جبرانی به‌موقع ضروری به نظر می‌آید.

تحقیقات زیادی در این زمینه که چه عواملی باعث سرعت بخشیدن به ایجاد

\* مهدهای کودک زیر نظر سازمان بهزیستی اداره می‌شوند.

روابط میان کودکان می‌شود صورت گرفته است. تقریباً " کلیه این تحقیقات در یک موضوع متفق‌القول بوده و آن اینکه کودکان سنین پائین بیشتر در ارتباط و تبادل رفتار می‌باشند. با توجه به این مسئله این نتیجه حاصل می‌شود که اگر قرار باشد احتمال راه‌یابی کودک عقب‌مانده ذهنی به موسسات کم شود و از طرفی به رشد طبیعی رفتارهای خود ادامه دهد و از استعدادهای خود بیشترین استفاده را نماید، باید در همان مراحل اولیه زندگی در محیطی مناسب قرار داده شود. این امر باید توجه داشت که هنگامی کودک به مهارت‌های نحوه تسلط بر محیط نائل می‌شود که دنیای اطراف او امکان بدست آوردن چنین مهارت‌هایی را برای او فراهم سازد. بعبارت دیگر موفقیت کودک در کسب مهارت بستگی به ساختار محیطی او دارد.

با توجه به این مطالب، برنامه مداخله جبرانی به‌موقع و ادغام‌سازی تدریجی، محیطی را برای کودک عقب‌مانده ذهنی فراهم می‌سازد که او را قادر به رشد توانایی‌های خود می‌کند.

همچنین با توجه به مخارج سنگین آموزش و نگهداری کودکان عقب‌مانده ذهنی در مراکز آموزشی و موسسات مخصوص این کودکان، برنامه مداخله جبرانی به‌موقع و ادغام‌سازی می‌تواند با ایجاد محیطی مناسب که امکان رشد قوای ذهنی و مهارت‌ها را در همان سالهای اولیه زندگی فراهم می‌سازد، از عمق عقب‌ماندگی ذهنی جلوگیری کرده و در نهایت عامل بازدارنده‌ای در راه‌یابی بسیاری از کودکان عقب‌مانده ذهنی به موسسات و مراکز باشد.

رساله علمی پژوهشی

مؤلف: ...  
 از طریق گزارش مربی و نظایر رشد اجتماعی و اجتماعی و ...  
 روش‌ها ...  
 نتیجه ...  
 مطالعه ...  
 آموزش می‌دهد.

...  
 و یکی از عناصر مهم در مداخله جبرانی به‌موقع و ادغام‌سازی به‌موقع است.

## منابع

- 1- Apolloni, T., and Cook, T.P. Establishing a normal Peer as a behavioral model for delayed toddlers. *Perceptual and Motor Skills*, 44, 231-241, 1977
- 2- Bricker, D.D., and Bricker, W.A. A developmentally integrated approach to early intervention. *Education and Training of the Mentally Retarded*. April, 1977.
- 3- Fox; C.L. Peer acceptance of learning disabled children in the regular classroom. *Exceptional Children*. Vol., 50, No. 1, pp 50-59, 1989.
- 4- Guralnick, M.J. Early intervention and integration of handicapped and nonhandicapped children. University Park Press. Baltimor, Maryland, 1978.
- 5- Jenkins, J.R., Odom, S.L. and Speltz, M.L. Effects of social integration of preschool children with handicaps. *Exceptional Children*, Vol: 55, No 5, 1989.
- 6- Mercer, J.R. Obstacles to integrating disabled students in a "Two-Roof" elementary school. *Exceptional Children*. Vol. 56, No.1, pp 30-38, 1989.
- 7- Schaefer, C. Therapeutic use of child's play. Jason Aronson, INC, New York, 1981.
- 8- Strain, P.P., and Odom, S.L. Peer social imitation: Effective intervention for social skills development of exceptional children. *Exceptional Children*. Vol. 52, No. 6, April 1986.

- 9- Wilder, W., and Cooley, J. The principle of normalization in human services. National Institute on Mental Retardation, 1979.
- 10-Wolf, M.M., Harris, F.R., and Allen, K.E. Effects of social reinforcement on isolate behavior of a nursery school child. Child Development. Vol. 35, pp 511-518, 1969.



رساله جامع علوم انسانی

- 6-Mercer, J.R. Obstacles to integrating disabled students in a "two-roof" elementary school. Exceptional Children. Vol. 26, No.1, pp 30-38, 1989.
- 7-Schaefer, C. Therapeutic use of child's play. Jason Aronson, INC, New York, 1981.
- 8-Strain, P.P., and Odum, S.L. Peer social imitation: Effective intervention for social skills development of